

## نه فرمان شیخ الاسلامی، عقدنامه و معافیت از سربازی

(مربوط به خاندان تهجدی ساوه)

از قرن دوازدهم و سیزدهم هجری

به کوشش: حمیده سلطانی مقدم

سعیده سلطانی مقدم

اسنادی که در این متن ارائه شده مجموعاً ۹ مورد است که به صورت خانوادگی در ساوه نگهداری شده و حضرت آیت الله تهجدی آنها را در اختیار ما گذاشتند. این فرامین که جنبه خانوادگی دارد و همه مربوط به ساوه است، عبارتند از:

۱. فرمان شیخ الاسلامی برای ساوه از سال ۱۱۵۷،

۲. فرمان شیخ الاسلامی ساوه از ۱۱۹۰،

۳. فرمان برای هزینه مالی شیخ الاسلام ساوه از سال ۱۲۵۱،

۴. فرمان برای هزینه مالی شیخ الاسلام ساوه از سال ۱۲۵۱،

۵. فرمان تأمین هزینه مالی شیخ الاسلام ساوه ۱۲۶۷،

۶. حکم شیخ الاسلامی سید اسماعیل برای ساوه از سال ۱۳۱۵ ق.

۷. عقدنامه از ۱۲۶۶ ق،

۸. عقدنامه از سال ۱۲۸۴ ق مربوط به خاندان شیخ الاسلام،

۹. فرمان معافیت از سربازگیری در سال ۱۲۷۸ ق.

با توجه به عناوین بالا باید توجه داشت که اسناد فوق الذکر سه دسته هستند. دسته اول شامل شش مورد اسناد شیخ الاسلامی هستند. دسته دوم شامل دو سند عقدنامه و در نهایت یک سند درباره سربازگیری است که به دلیل آن که مربوط به دوره ناصری است مهم است.

### اهمیت شیخ الاسلامی و اسناد حاضر

اهمیت شیخ الاسلامی در ایران شیعی از دوره صفوی مطرح شد و در تمام این دوره، شیخ الاسلام در کنار دیگر صاحب منصبانی مانند قاضی و مدرس و ملاباشی و امام جمعه، به ارائه خدماتی در حوزه های مختلف دینی جامعه می پرداخت. در این باره توضیحاتی در آثار مربوط به دوره صفوی آمده است. منصب شیخ الاسلامی در دوره افشاری و زندی و سپس قاجاری گرچه نه به قوت دوره صفوی، باقی ماند. اسناد زیر شاهد استواری بر این مطلب است و از این حیث، برای تاریخ شیخ الاسلامی در کشور ما بسیار جالب خواهد بود. از اسناد زیر چنین به دست می آید که انتخاب شیخ الاسلام تابع چند مسأله بود.

نخست این که شخص فقیه و عالم دین باشد و بتواند در امور شرعی با وقوف کامل وارد شود. در واقع اموری که به شیخ الاسلام سپرده می شد امور شرعی بود و این امر، دانش خاص خود را داشت. در یکی از فرامین درباره نوع کارهایی که شیخ الاسلام باید انجام دهد آمده است: «حاکم و عمال و کلانتر و کدخدایان و

عموم رعایا و سکان الگاء مزبور امر شیخ الاسلامی الگاء مزبوره مخصوص سیادت پناه مشار الیه دانسته دیگری را مدخل نرسند و مراعات و محاکمات و عقود انکحه و مبادلات و معاملات را ... به مهر او معتبر شناسند. حرر فی ربیع الاول سنه ۱۱۵۷»

دوم ملاحظه خانوادگی که معمولا شیخ الاسلامی که انتخاب می شدند، اگر از نسل آنان عالمانی بودند، پس از درگذشت شیخ الاسلام، از میان فرزندان به جای او گماشته می شدند. در اسناد به خوبی شاهد این نکته هستیم.

در مواردی که دو پسر یک شیخ الاسلام موقعیت مشترکی داشتند این امکان وجود داشت که هر دوی آنان دارای این موقعیت شده و اقطاعی که واگذار شده در اختیار هر دوی آنان قرار می گیرد.

طبیعی است که به موقعیت محلی این افراد و خوشنامی آنان نیز توجه می شده و این که شخص مزبور در آن منطقه موقعیتی داشته باشد، لحاظ می شده است. نکته دیگر که از اسناد موجود به دست می آید آن است که هزینه زندگی شیخ الاسلام از طریق واگذاری اقطاع یا پرداخت بخشی از مالیات آن ولایت به وی تأمین می شده است. در یکی از همین فرامین شیخ الاسلامی آمده است: « شیخ الاسلامی الگاء مزبور را به سیادت و فضیلت کمالات پناه مشارالیه شفقت و مزروعی سیصد و بیست موجب ... مالیات آنجا در وجه مشارالیه عنایت فرمودیم». در برخی دیگر از همین اسناد منبع حقوق و مستمری شیخ الاسلامان مقداری معین مثلا عشر مالیات آن ولایت به صورتی نقدی و یا جنسی تعیین شده است.

آنچه در این فرامین اهمیت دارد، آن است که شاه با صادر کردن این فرمان، به همه عوامل خود در آن منطقه دستور می داد تا از احکام صادره شیخ الاسلام اطاعت کرده و به هیچ روی تخلفی نکنند. در یک مورد آمده است: «... و اعیان و قاطبه رعایا و زراعین الگاء مذکور حسب المطالبه عالیجاهی مشار الیه را شیخ الاسلام بالاستقلال و الانفراد دانسته، اوامر و نواهی حسابی او را که موافق قانون شریعت غرا باشد مطیع و منقاد باشد».

اسناد یاد شده بر اساس تصاویری که از سوی آیت الله تهجدی در اختیار گرفت خوانده شده و خدمت خوانندگان عزیز ارائه می شود. طبیعی است که برخی از کلمات لایقرء مانده و به جای آنها سه نقطه گذاشته شده است. هر سه نقطه نشانه یک کلمه ناخواست. برای جبران این امر، تصاویر اصل اسناد نیز گذاشته شده است تا در صورتی که کسانی مایل بودند، خود دقت بیشتری در این باره داشته باشد.

## (۱) [فرمان شیخ الاسلامی برای ساوه از سال ۱۱۵۷]

آنکه چون درین وقت سادات و کدخدایان و رعایای بلده و بلوکات ساوه، عرض و استدعای تفویض امر شیخ الاسلامی الگاء مزبوره سیادت و فضیلت و کمالات پناه، میرسید احمد ولد سید رضی شیخ الاسلام سابق آنجا بودند و علامی فهامی مجتهد الزمانی، رئیس العلمایی ملا علی اکبر ملباشی بر تصدیق بر قابلیت و شایستگی و اهلیت سیادت و فضیلت پناه مشارالیه نموده بود بناءً علیه به موجب تصدیق علامی مشارالیه و استدعای رعایا امر شیخ الاسلامی الگاء مزبور را به سیادت و فضیلت کمالات پناه مشارالیه شفقت و مزروعی سیصد و بیست موجب ... مالیات آنجا در وجه مشارالیه عنایت فرمودیم که هر ساله به عهده هر نفر از عمال آنجا می باشد مصرف معیشت خود نموده از روی کمال دقت و اهتمام به حزم و احتیاط تمام به امر مزبور و لوازم آن اقسام و اقدام ... و ... و نا مرعی در امری از امور شرعی نمایند. حاکم و عمال و کلانتر و کدخدایان و عموم رعایا و سکان الگاء مزبور امر شیخ الاسلامی الگاء مزبوره مخصوص سیادت پناه مشار الیه دانسته دیگری را مدخل نرسند و مراعات و محاکمات و عقود انکحه و مبادلات و معاملات را ... به مهر او معتبر شناسند. [حرر فی] ربیع الاول سنه

۱۱۵۷

## (۲) [فرمان شیخ الاسلامی ساوه از ۱۱۹۰]

بسم الله تعالی خیر الاسماء

فرمان عالی شد آنکه از روزی که به حکم مفتی دارالشرع قضا و برهانی که به امر فرمان روای محکمه محکمه فعال لما یشاء مسند حکمروایی و گیتی گشایی و اخطبه [؟] دارایی و کشور آرائی به مؤدای صدق اتمای توتی الملک من تشاء، در اوراق صحایف لیل و نهار به نام نامی و اسم گرامی ما محرر و مصباح دولت حشمت و جهان بانی و سراج شوکت و ابهت و مملکت ستانی به منطوقه کریمه «مثل نوره کمشکوه فیها مصباح المصباح» در مشکوه روزگار ... لمعه وجود معدلت نمود سامی منور و حل و عقد امور جمهور انام، و قبض و بسط مهام کافه خاص و عام به مدلول آیه وافی هدایت «و احکم بین الناس بالحق» که به کفایت ... مراتب ملکان.. ولایت محول و مقرر گشته در ازاء این موهبت کبری و مقابل عطیه عظمی نصب العین خاطر حق شناس و مطرح ضمیر مرحمت

اقتباس فرموده‌ایم که هر یک از عارفان معارف حق و یقین و ناهجان مناهج ملت قرین را فراخور حال مرتقی مدارج عزّ و علا و عارج معارج محمدی و اعتلا سازیم. لهدا دلها از بوارق الطاف شایان و شردمه‌ای از شوارق اعطاف نمایان ضیاء افروز ساحت احوال عالیجناب قدسی الالقبافادات و افاضت مآب فضیلت کمالات اکتساب [اسباب] - سلمه الله - سید احمد شیخ الاسلام الگای ساوه گشته، کما کان از ابتدای ششماهه هذه السنه میمونه سیچئیل خیریت تحویل خدمت شیخ الاسلامی الگای مزبور را به مشار الیه مفوض و مرجوع و مبلغ دوازده تومان تبریزی نقد و دوازده خروار غله بابت نان، و مالیات‌های نقدی و جنسی الگای مذکور به ضمیمه مخلص سالیانه در وجه او عنایت و مرحمت فرمودیم که برای ... .. قرض مرحمت؛ سواد همین فرمان مبارک ازعان، حاکم و عالیجهان وکیل مالیات الگای مذکور با وثاقت و صرف محتسب و مایحتاج خود نموده، به نحوی که باید فشانند و لوازم و مراسم سجل مذکور گذشته در ایقاع و عقود و مناکحات و کتب صکوک و سجلات و رفع دعاوی بین المسلمین و المسلمات و اجرای احکام الهی و سنن حضرت رسالت پناهی - صلی الله علیه و آله اجمعین - و امر به معروف و نهی از منکرات و جمیع مراعات و محاکمات شرعی به سایر ملزومات شخص مذکور به وجهی که دقیقه از دقایق فوت و فروگذاشت ... .. اخلاص عقیدت آقا عبد الکریم خان ... حاکم و عالیجنابان وکیل مالیات محالات، کدخدایان ... اعیان و قاطبه رعایا و زراعین الگای مذکور حسب المطالبه عالیجهای مشار الیه را شیخ الاسلام بالاستقلال و الانفراد دانسته، اوامر و نواهی حسابی او را که موافق قانون شریعت غرا باشد باشد مطیع و منقاد باشد و وجه تحصیل او را هر ساله از ... .. در عهده شناسند. تحریراً فی شهر رمضان ۱۱۹۰

### (۳) [فرمان برای هزینه مالی شیخ الاسلام ساوه از سال ۱۲۵۱]

که چون از قرار فرمان خاقان خلد مکان مبرور و ثبت شد [؟] رشحات دیوان قدر دستور شغل شیخ الاسلامی ولایت ساوه و محال تابعه به عالیجناب مقدس القاب فضیلت و کمالات اکتساب، صداقت و ارادت آداب خلاصه السادات و الفضلاء میرزا کوچک مفوض و موکول بوده و مراسم شایستگی و دیانت مشارالیه معروض رای معدلت اقتضاء آمده در هذا السنه قوی ئیل خجسته دلیل و مابعدها کماکان شغل مزبور را به مشارالیه تفویض و مبلغ دوازده تومان تبریزی نقد و مقدار دوازده خروار به وزن تبریز جنس که از بابت مالیات آنجا در وجه مشار الیه به رسم وظیفه، مستمر و برقرار بوده به دستور عنایت فرمودیم مقرر آن که حکام و عمال و مباشرین ساوه عالیجناب مشار الیه را شیخ الاسلام ولایت مزبور دانسته لوازم شغل مزبور را مخصوص او دارند و هر ساله نقد و جنس مزبور را بدون مطالبه فرمان مجدد رسانده معطل نمایند و کما فی السابق بخرج مالیات مجری دانند. عالیجهان رفیع جایگاهان عزت و جلالت دستگاههان مقربی الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت نموده از شوایب تغییر و تبدیل محروس دانند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ذی القعدة الحرام ۱۲۵۱

### (۴) [فرمان برای هزینه مالی شیخ الاسلام ساوه از سال ۱۲۵۱]

که چون از قرار فرمان خاقان خلد مکان مبرور ثبت شد، رشحات دیوان قدر دستور شغل شیخ الاسلامی ولایت ساوه و محال تابعه به عالیجناب مقدس القاب فضیلت و کمالات اکتساب صداقت و ارادت آداب خلاصه السادات و الفضلاء میرزا کوچک مفوض و موکول بوده و مراسم شایستگی و دیانت مشار الیه معروض رای معدلت اقتضاء آمده، لهدا در هذه السنه قوی ئیل خجسته دلیل و مابعدها کما کان شغل مزبور را به مشار الیه تفویض و مبلغ دوازده تومان تبریزی نقد و مقدار دوازده خروار به وزن تبریزی جنس که از بابت مالیات آنجا به رسم وظیفه در ازای منصب مزبور در وجه مشار الیه و عالیجناب سیادت و سعادت نصاب سلاله الآداب العظام میرزا احمد برادر او بالمناصفه مستمر و برقرار بوده، به دستور عنایت فرمودیم. مقرر آن که حکام به عمال و مباشرین ساوه، عالیجناب مشار الیه را شیخ الاسلام ولایت مزبور دانسته، لوازم شغل مزبور را مخصوص او دارند و هر ساله نقد و جنس مزبور بدون مطالبه فرمان مجدد رسانیده، معطل نمایند و کما فی السابق به خرج مالیات مجری دانند. عالیجهان رفیع جایگاهان عزت و جلالت دستگاههان مقربی الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شوایب تغییر و تبدیل محروس کرده، در عهده شناسند. تحریراً فی ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۵۱

### (۵) [فرمان تأمین هزینه مالی شیخ الاسلام ساوه ۱۲۶۷]

آنکه چون در قرار فرامین خاقان مغفور و شاهنشاه مبرور اسکنهما الله فی روضات دار السرور محرر شد دفترخانه مبارکه مبلغ دوازده تومان نقد و مقدار دوازده خروار وزن تبریز جنس در باب عشنر مالیات به رسم وظیفه در وجه عالیجناب فضایل مآب سلاله السادات میرزا کوچک و میرزا احمد برادر او بالمناصفه برقرار بود. نواب همایون ما نیز در ابتدای هذه السنه تنگوزئیل خیریت تحویل و مابعدها مبلغ و مقدار مزبور را کما فی السابق مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله از بابت عشنر مالیات ساوه دریافت کرده صرف گذران خود ساخته لوازم دعاگویی دوام دولت ابد مدت اشتغال ورزند مقرر این که حکام و عمال و مباشرین ساوه همه ساله

به قدر جنس مزبور را بدون مطالبه فرمان مجدد در وجه مشارالیهما کارسازی و عامر ساخته، به خرج ساوه مجری دانند. المقرر عالیجاهان رفیع جایگاهان محمدمت و نجدت اکتسابان عزت رسالت همراهان سفر بوالحسن خان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را در دفاتر خود ثبت و ضبط نموده که در عهده باشید. حرر فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۶۷

### (۶) حکم شیخ الاسلامی سید اسماعیل برای ساوه از ۱۳۱۵ق]

از آنجایی که همواره رای خورشید ضیای مقدس ما به ترفیه حال سادات عالی درجات منوط و پیوسته حالت حسن استراحت آنان مربوط است تا موجبات وسعت و معاش ایشان مسلم و شرایط مزید دعاگویی ذات خجسته صفات همایون ما فراهم آید لهذا در این اوقات که حاج **سید اسماعیل شیخ الاسلام ساوه** به رحمت ایزدی پیوسته و مراتب فضل و زهد و ورع جناب مستطاب شریعتما بحاج میرزا سید محمد ولد ارشد آن مرحوم در پیشگاه حضور مهر ظهور شاهانه مشهود افتاد، محض ابراز مرحمت از هذه السنه مسعوده ایت ائیل خیریت تحویل، مشارالیه را به لقب جلیل شیخ الاسلامی ملقب فرمودیم و مبلغ شش تومان نقد و شش خروار از جنس، مستمری مرحوم حاج سید اسماعیل را دربارہ جناب شیخ الاسلام و آقا میرزا هاشم ولد آن مرحوم بالمناصفه مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله از محل ساوه دریافت نموده، به دعاگویی اشتغال ورزند. کتاب سعادت فرجام، شرح فرمان را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند؛ شهر ذی قعدہ الحرام سنه ۱۳۱۵

در حاشیه: به موجب این فرمان مبارک که به صحنه مبارک رسیده مبلغ و مقدار مزبوره به اسم جناب شیخ الاسلام و اخویشان در دستور العمل ساوه منظور خواهد شد.

در حاشیه: مبلغ شش تومان نقد و شش خروار از جنس در دستور العمل مستمریات هذه السنه ایت ثیل ولایت ساوه به اسم مرحوم حاج سید اسماعیل به انضمام رسم منظور شده باشد

### (۷) [عقدنامه از ۱۲۶۶ق]

غازه حمدی که از بهای بلاغت زیور عذار عذرای بیان آمد و نفعه شکری که از هوای اصابت محفل سخن را به روایح فصاحت آراید، آرایش رخسار زیبایی عروس ستایشی و غالیه طره شاهد نیایش حکیم جمیلی است که حریم حرمت حجله و حدتش از تطرق نظیر و عدیل محروس، و پرده عزت جلالش حاجت اندیشه عقول و نفوس عناصر چارگانه بیگانه را با تضاد طبیعت از کمال قدرت چنان رابطه امتزاجی داده که هیچ یک را بی -وجود دیگری صورت نوعی حاصل نیاید. آبابی علوی و امهات سفلی را با تخالف مواد ... از نهایت حکمت بدانسان عقد ارتباطی به شبه موالید ثلثه بی -حصول ازدواجشان قبول وجود نماید. خلاق قدیمی که قابله مشیت -اش سلاله جمیل بشر را از مشیمه عدم به مفاد «الذی یخلقکم من بطون امهاتکم» پس از ترتیب اسباب تربیت کسوت ظهور پوشاند. فعال علیمی که ماشطه عنایتش صورت بدیع انسان را به مصداق «وصورکم فاحسن صورکم» بعد از آرایش حسن تصویر پیرایه پوش ملبوس شهود گردانید. سہی قدان سمنبر را زیور رعونت ازو در بر، [و] غنچه دهانان ماه -منظر را چادر عصمت ازو بر سر، «سبحان الذی خلق الأزواج کلها»، و روایح روح افزای صلوات زاکیات که غالیه زلف سمنسای عروس قبول آمد، و نسایم عبیرآسای تحیات مبارکاتی که مشام شاهد شایستگی را تعطیر نماید. عطر بزم محمدمت و بخور محفل سور و سرور منقبت، مجلس آرای انجمن رسالت، نتیجه مقدمه نبوت، موضوع قضیه خلقت، محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - سیما زوج بضعه عذرای او که شاهد ملت بیضا را بیاض رو به غازه کاری ذوالفقارش گلرنگ، و گلزار شریعت غرا به آبیاری شمشیر آتشیبارش پر آب و رنگ و اخلاف طیبین - صلوات الله علیهم اجمعین.

بعد چون امر مناکحت و مزواجت منصوص احادیث نقلیه و فواید مصالحه عقلیه، معظم آداب شرع مستطاب است، لاجرم در ایمن اوقات و اسعد ساعات صیغه مزواجت و عقد مناکحت واقع شد فیما بین عالیشان رفیع مکان، عزت و مناعت بنیان عمدۀ الاعیان میرزا شکرالله و غره غرای عروس عصمت و زهره زهرای سپهر نجابت، علیا جناب **صاحب خانم** به صدق مفصله باغ سقانتین [؟] باغ (یکساعت و نیم) یحیی آباد (یکساعت و نیم)، حصار و خانه متصرفی دو دانگ، طلاآلات، مسینه آلات، رختخواب، رختنامه، دست، نقد فی الذمه، قیمت غلام و کنیز، قیمت قرآن مترجم، فرش و اطاق... که عندالمطالبه تسلیم و تفویض نماید وصیغه ایجاب و قبول کما قرر فی شرع الرسول بینهما بالعربیه و الفارسیه جریان یافته، تحریرا فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۶۶.

## (۸) [عقدنامه از سال ۱۲۸۴ ق مربوط به خاندان شیخ الاسلام]

### هو المؤلف بين القلوب

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى أحل النكاح بفضله و حرم الزنا و السفاح بعده، و صلى الله على خير خلقه محمد و آله أجمعين

هر هفت حمدی که از بهای براعت به اسنای بلاغت خیزد و زیور عذار عذرای بیان آراید و نفعه شکرى که از هوای اصابت با روایح فصاحت آمیزد و محفل سخن را به شمیم جان فزا آراید، آرایش رخسار زرنگار و سنان شاهدان شیرین کار ستایش پروردگاری است - جل شأنه - و غالیه مشکبوی گیسوی و غازه سیمای ماه-رویان بتان شکر گفتار نیایش کردگاری است - بهر برهانه - که نوعروسان محدثات را از معادن و حیوان و نبات به مظاهر و مصاهرت هیولایی از حجره امکان به حجله وجود آورد و آباب علوی و امهات سفلی را با تخالف مواد و طبایع تضاد به حکم کفایت حکمت و کفائت مصلحت و صدق استحقاق و شهادت قاضی قضا و توکیل خیر ناصر و وکیل رابطه امتزاج و عقد ازدواج ایست به نیکوتر صورتی که موالید سه گانه بی وصول ارتباط و ازدواجشان قبول وجود ننماید و بی ظهور اختلاط و وصول وصالشان از پرده حجاب محال جلوه بروز و شهود نشاید صورت آرای ابداعش زرک زرین از نور و غالیه مشکین از شب دیجور به جبهه و طره عروس دلفریب جهان پاشیده، چهره پرداز اختراعش از کحل الجواهر شب سرمه به چشم سیاه چشمان سنین و شهور کشیده، و روایح روح افزای صلوات و نسایم عنبرآسای تحیات عطر بزم محمدمت و بخور مجلس منقبت محرم خلوت «أو أدنی» گلگونه عارض «والضحی» واسطه امتزاج آب و خاک و رابطه باعث ازدواج امهات عناصر و آباء افلاک نتیجه مقدمه خلقت موضوع قضیه رحمت محمد مصطفی - صلى الله عليه و آله - سیما زوج بتول و بضعه عذرای او ولی خدا علی مرتضی - علیه السلام والثناء - که شاهد ملت بیضا را بیاض - رو به غازه کاری ذوالفقارش گلرنگ و گلزار شریعت غراً به آبیاری شمشیر آتشبارش با آب و رنگ است فرخنده مولود حرم خداوند بی - فرزندی که خانه زادی دارد، شک نیست که باشدش به جای فرزند و اولاد طیبین و اخلاف طاهرین او که هر یک شیستان امامت و خلافت را مصابیح فروزانند و آسمان هدایت و ولایت را کوکب تابان.

**و بعد** غرض از آرایش رخسار این صفحه صبح صبیح الوجه به خط و خال این میمنت مأل آن است که چون امر مناکحت و مزاجت منصوص احادیث نقلیه و فواید مصالح عقلیه مطبوع طباع و ملزومات شرع مطاع است، لاجرم در اسعد ساعات عقد مزاجت و پیوند مناکحت انعقاد پذیرفت فیما بین عالیشان عین الاعیان و زبده الامائل و الاقران غصن بالنده دوحه نبالت، فرع تابنده گوهر اصالت، میرزامحمدخان فرزند ارجمند عالیشان رفیع مکان مجدت و نجات توأمان، عمدہ الاکابر و المعتمرن، فخارالحاج و المعتمرن، بقیه دودمانهای قدیم حاجی عبدالکریم، و غنچه ناشکفته حسن و جمال در ناسفته مخزن دانش و کمال، کوکب رخشای برج فخامت، گوهر یکتای درج شہامت، مستوره خدر عصمت، پرورده ستر عفت، مسمات به نام نامی و اسم سامی بضعه رسول و زهرای بتول فاطمه خانم صبیبه رضیه مرضیه عالیجناب سیادت و نجابت انتساب مرحمت و غفران پناه، جنت آرامگاه، افتخارالحاج **حاجی میرزا کوچک شیخ الاسلام** به صدق مقرون به وفاق مبلغ دویست و شصت تومان از قرار تفصیل ذیل:

ملک سلطان مشاع در یک دانگ یک سه قیمت ... ، خانه و حصار از جمله شش دانگ یک دانگ قیمت... ، طویله و بهار بند از جمله شش دانگ یک دانگ قیمت... ، فرش اوطاق یک دست قیمت...، رختخواب قلمکار یک دست قیمت... ، مسینه آلات یک رو و دورو... ، طلاآلات ده مثقال قیمت... ، ملبوس زنانه ابریشمی دو دست قیمت... ، کلام الله مجید یک جلد....

بعد از آنکه والد ناکح مزبور به ولد خود اشیاء مفصله مذکور را هبه نموده مومی الیه داخل در صدق زوجه خود نموده و من بعد به مقتضای «الرجال قوامون على النساء» لوازم زوجه بر مشارالیهها لازم و به مضمون صدق مشحون «و اتو النساء صدقاتهن نحلة» صدق مزبور بر ذمه و رقبه زوج مزبور واجب و لازم الاداست. اللهم .... و طیب نسلهما و أجمع شملهما و بارک لهما و ... لهما اولادا کرما بررة الصالحین و کان المناکحه المبارکة المیمونه المرقومه بتاریخ بیست ششم شهر ذی حجه الحرام موافق سنه ۱۲۸۴

در حاشیه بالا: و لقد اعترف الزوج البالغ الرشید بالطوع و الرغبة بجمیع ما سطر فیه و وقوع النکاح و الصداق و اشتغال ذمته - حرره... [محل مهر]

در حاشیه بالا: بسمه تعالی اعترف الناکح بوقوع المناکحه المیمونه على الصداق المسطور - حرره... فی ليله الاربعاء ۸ رجب ۱۲۸۶

در حاشیه بالا: بسم الله عظم شأنه: اعترف الناکح بوقوع المناکحه المبارکة على الصداق المرقوم حرره [محل مهر]

نکته قابل توجه در این سند آن است که تاریخ اصل عقد نامه ۱۲۸۴ اما تاریخ درج شده در یکی از شهادتات ۱۲۸۶ است؟ شاید این شهادت بعدا افزوده شده باشد.

## (۹) [فرمان معافیت از سربازگیری در سال ۱۲۷۸ ق]

که چون بر حسب قرارداد کلیه و به موجب کتابچه قانون نظامیه محض ظهور مراحم و الطاف جلیه و مکارم و اعطاف علیّه جمیع قصبات و شهرهای ممالک محروسه را از دادن سرباز معاف داشته ایم که عموم اهالی هر ولایت بدین واسطه فارغبال و مرفه الحال بوده، در نهایت آسودگی و فراغت به امر دعاگویی دولت ابدآیت مشغول باشند. و از قراری که جمعی از علما و اعیان و رعایا و ریش سفیدان قصبه ساوه این اوقات به دربار معدلتمدار آمده به خاکپای همایون معروض داشتند، به خلاف جاهای دیگر بوده از آنجا مطالبه سرباز می‌نمایند و رعایای آنجا را آسوده نمی‌گذارند از آنجا که رعایت حال و مراعات احوال اهالی و سکنه قصبه مزبوره همیشه منظور نظر عدالت پیشه شاهانه بوده و میباید لهذا از اواسط هذه السنه تخاقوی ٹیل خیریت تحویل و مابعدا قصبه ساوه را نیز با باغات و مزارع آنجا که جزو جمع قصبه‌اند مثل سایر شهرها و قصبه‌ها از دادن سرباز دیوانی معاف و مرفوع القلم فرمودیم که دیگر از این به بعد احدی موافق این منشور قدر دستور مبارک مطاع مزاحم و متعرض اهالی آنجا نشده، مطالبه سرباز ننمایند و آنها را به حال خودشان باز گذارند. مقرر آنکه حکام و مباشرین حال و استقبال محال ساوه، و سرتیپان و سرهنگان و تمامی صاحبمنصبان نظامی محال مزبوره، به نحوی که حکم محکم شرف نفاذ یافته معمول داشته، تخلف و عدول جایز ندارند، و از اهالی قصبه و ملاک مزارع و باغات آنجا سرباز نگیرند. همان سربازان سابق بلوکات را موافق تعدیل و تقسیمی که شده است جابجا کرده داخل فوج نمایند. المقرر، مقربوا الخاقان، مستوفیان عظام و لشگر نویسان کرام شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند. حرر فی شهر ربیع الاخری سنه ۱۲۷۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی